گفت‌وگو

رحیم زیادعلی

فریدون عباسی‌دوانی، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، دکترای فیزیک هسته‌ای و عضو شورای مرکزی انجمن هسته‌ای ایران است که همواره به عنوان یکی از منتقدان شاخص برجام شناخته می‌شود.

تلاش در مسیر رشد و توسعه آموزش و تحقیقات در زمینه‌های نظری و تجربی به خصوص در رشته هسته‌ای باعث شد که اواخر سال ۱۳۸۵ نام او در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل در فهرست افراد تحریم شده قرار گیرد اما دشمن به این تحریم هم اکتفا نکرد و نهایتاً صبح روز هشتم آبان ۱۳۸۹ در یک سوءقصد توسط عوامل موساد، در میدان دانشجوی تهران مجروح شد و خوشبختانه از این اقدام تروریستی جان سالم به در برد. دکتر عباسی در کنایه به رئیس‌جمهور خود را باسواد و شناسنامه‌دار می‌داند و این حق را برای خود قائل است که در حوزه تخصصی که سال‌ها در آن تجربه آموخته اظهار نظر کند. وی در ۲۳ تیر ماه امسال و همزمان با یک سالگی برجام در مصاحبه‌ای نسبت به روند و اقدامات صورت گرفته در برجام انتقادات تندی را مطرح کرد و گفت: «این حرف بسیار مسخره‌ای است که می‌گویند ما جزو صادرکنندگان اورانیوم غنی‌شده هستیم. صادرکننده آب سنگین هستیم. طرف دارد صورتش را با سیلی سرخ نگه می‌دارد. برای اینکه بگوید دستاوردی دارم، می‌گوید جزو صادرکننده‌ها هستیم، شما را مجبور کردند اینها را رقیق یا صادر و آب سنگین را از کشور خارج کنید. وقتی در مذاکره اینها را پذیرفتید، باید خارج کنید. ببینید چقدر شتاب‌زده عمل می‌کنند. قبل از اینکه موعدش برسد، می‌روند و اورانیوم را رقیق یا خارج می‌کنند و آب سنگین را به کشور دیگری می‌فرستند و پولش را هم نمی‌گیرند، یعنی خودمان را از یک ماده استراتژیک که با آن می‌توانیم در یک مذاکرات سیاسی چانه‌زنی کنیم بی‌بهره می‌سازیم، بعد می‌آییم و قیافه می‌گیریم که در این قضیه جزو صادرکنندگان مواد هسته‌ای شده‌ایم. خیر، خیلی چیزهای دیگر بود که می‌شد صادر کرد و اینها را نگه داشت. اینها عوام‌فریبی است.» این اظهار نظرها البته با واکنش روابط عمومی سازمان انرژی اتمی مواجه شد و او را به انصاف دعوت کردند. گفت‌وگو با رئیس سابق سازمان انرژی اتمی کشور در جریان برگزاری نمایشگاه مطبوعات و در غرفه روزنامه جوان انجام شد. زمانی که نه از تمدید نهایی قانون ایسا (ISA) در کنگره امریکا خبری بود و نه از اعترافات ظریف در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس که تصریح کرده است: از اینکه در این مورد به قول شفاهی جان کری وزیر امور خارجه کری اعتماد کردم پشیمانم. دکتر عباسی آنچه را که طی چند سال اخیر بر صنعت هسته‌ای کشور گذشته است خسارت می‌داند که باید توسط نیروهای انقلاب به ریل اصلی خود بازگردد. آنچه در پی می‌آید ماحصل این گفت‌وگو است که با هم می‌خوانیم.

■■■

آقای دکتر با تشکر از وقتی که در اختیار «جوان» قرار دادید، به عنوان اولین سؤال بفرمایید با توجه به اینکه بر اساس توافق برجام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است، تعداد سانتریفیوژهای خود را به حجم قابل توجهی کاهش داده و سطح غنی‌سازی را روی ۳/۵ درصد نگه دارد، آیا این محدودیت‌ها می‌تواند جوابگوی نیازهای کشور در حوزه‌های پزشکی، کشاورزی و دیگر مصارف صنعتی صلح‌آمیز باشد؟

غنی‌سازی در این سطح ارتباطی به رادیوداروها و کشاورزی ندارد. سوخت ۳/۵ درصد به درد رآکتور قدرت می‌خورد و باید این حوزه را تفکیک کرد. یک رآکتور قدرت هزار مگاواتی، ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار سو غنی‌سازی نیاز دارد، بنابراین باید دید ۵ تا ۶ هزار ماشین ما چه میزان سو برای کشور غنی‌سازی می‌کند و می‌تواند این رآکتور هزار مگاواتی را تأمین کند یا خیر؟ مبحث مربوط به رادیوداروها به رآکتور تهران ربط دارد که این رآکتور نیاز به سوخت ۲۰ درصد دارد و تولید این سوخت هم اکنون متوقف است و در برجام تولید این نوع سوخت برای کشور هم پیش‌بینی نشده است.

پس با این حساب حوزه کشاورزی و تولید رادیوداروها تعطیل می‌شود؟

حوزه کشاورزی نیازی به غنی‌سازی ندارد. این حوزه مربوط به تابش‌دهی مواد غذایی است و باید کبالت ۶۰ را یا از خارج تهیه کنیم یا در داخل تولید شود. در داخل نیز نیاز به رآکتورهای قوی‌تر و با فلاکس بالاتر است تا بتوانیم کبالت ۶۰ را تولید کنیم اما آنچه مسلم است، بر اساس آن چیزی که در برجام ذکر شده، بعید است تا ۲۰ یا ۳۰ سال بعد بتوانیم کبالت ۶۰ را در داخل تولید کنیم، بنابراین در حوزه کشاورزی آن چیزی که با بازتاب مواد غذایی ارتباط دارد ما نیاز به اشعه گاما داریم و باید به دنبال چشمه‌های رادیواکتیو باشیم که یا باید از خارج وارد شود یا شتاب‌دهنده الکترون را بسازیم که بتوانیم اشعه ایکس مناسب را داشته باشیم.

گفته می‌شود که کاهش سطح غنی‌سازی به ۳/۵ درصد، سیاست کلی نظام بوده، اگر این پیش فرض را بپذیریم، چرا این اتفاق در دولت گذشته روی نداد؟

من نمی‌توانم بگویم این اتفاق سیاست کلی نظام بوده، بلکه این لجاجت دولت یازدهم در این خصوص است، یعنی تفکر دولت یازدهم این است که تفکرات حزبی خود را در موضوع هسته‌ای پیش ببرد. این تفکر با هیچ فناوری پیشرفته‌ای سازگاری ندارد و اگر حوزه‌های مختلف تفکری را ببینیم، متوجه می‌شویم که نظر آنها تنها در موضوع هسته‌ای اینگونه نیست بلکه آنان در حوزه موشکی نیز به دنبال تعطیلی هستند. در مورد تولید هواپیما ایران ۱۴۰ نیز همین گونه است و در حوزه فضایی نیز بی‌توجهی زیادی را می‌بینیم.

اینها هیچ تکنولوژی برتری را برای کشور متصور نیستند. مجموعه نظام نیز برای جلوگیری از دوقطبی جامعه و اغتشاش یک حدی را در این خصوص پذیرفت تا انسجام داخلی را حفظ کنیم. هوشمندی مجلس، شورای عالی امنیت ملی و مقام معظم رهبری باعث شد که مواردی را به آنها دیکته کنند و بخواهند در این چارچوب دیکته شده مذاکره کنند اما لجاجت آنها باعث شد که این شروط دیده نشود و بیشتر منابع را به امریکایی‌ها و غربی‌ها واگذار کنیم.

می‌توان گفت که برجام نوعی جام زهر است؟

من تعبیر جام زهر نمی‌کنم. من می‌گویم باید نیاز کشور را دید و بر مبنای نیاز حرکت کرد. اگر کشور به سوخت ۲۰ درصد برای تولید رادیوداروها نیاز دارد و آن را به ما نداده‌اند، ما مجبور شدیم سراغ تولید آن برویم و اثبات فناوری کردیم. اگر برای رآکتورهای قدرت به سوخت ۳/۵ درصد نیاز داریم باید این کار را انجام دهیم، یعنی باید بتوانیم از منابع تجاری آزاد آن را فراهم کنیم و اگر دولت یا دولت‌هایی مانع این موضوع شوند، این یعنی یک اعلام جنگ علیه سلامت مردم و باید با این جنگ مقابله کنیم. من جام زهر نمی‌گویم بلکه یک نرمش قهرمانانه بود تا بهانه را از دست دشمن بگیریم و تبلیغ دشمنان در خصوص تلاش ایران برای تولید سلاح هسته‌ای را متوقف کنیم. با این حال ما باید نیاز نسل آینده را نیز در نظر بگیریم.

همکاران شما در سازمان انرژی اتمی پس از برجام اعلام کردند که بازفرآوری هسته‌ای و بازگشت به وضعیت گذشته حدود شش ماه طول می‌کشد. شما به عنوان یک کارشناس فنی چنین امکانی را تأیید می‌کنید؟

من نمی‌توانم زمان دقیقی در این خصوص بدهم، چراکه بنده هم اکنون مدیر سازمان نیستم و از وضعیت خبری ندارم. آن چیزی که مهندس آقازاده پایه‌گذاری کرده بود کارآمد بود اما چیزی که دیگران دنبالش هستند، چندان قابل اعتماد نیست. وقتی نیروها خسته شدند و مهاجرت کردند، مانند کامپیوتر نیستند که بتوانیم از آن هر زمان که می‌خواهیم کار بکشیم. برجام نیروهای نخبه و فنی ما را مستأصل کرده و باعث شده دچار روزمرگی شوند و هویت خود را از دست بدهند. با این اوصاف نمی‌توان زمان دقیقی را گفت که چه زمانی می‌توانیم به اوج برگردیم. به اعتقاد من نیروهای تکنوکرات و غرب‌زده باید کنار بروند و کار دست نیروهای انقلابی بیفتد. در این صورت امکان احیای سیستم وجود دارد. من معتقدم دولت باید تغییر کند. من امیدوارم اگر اطلاع‌رسانی درست در خصوص اینها صورت بگیرد، دیگر مردم اقبالی به این جریان فکری نشان نمی‌دهند. روابطشان با دنیا یا بر مبنای پذیرش تحقیر است.

دولت بارها عنوان کرده برجام سایه جنگ را از سر کشور برداشته است. شما تا چه اندازه با این ادعا موافقید؟

این توهمی بیش نیست. به کسانی که با نیت خیرخواهانه قصد نقد داشته باشند، توهین می‌کنند و آنها را نفهم و بی‌شناسنامه می‌نامند. یکی از این بی‌سوادها من هستم که رتبه و سوابق علمی‌ام روشن است. در حوزه هسته‌ای من ۳۰ سال کار کرده‌ام. چرا به بنده بی‌سواد می‌گویند. وقتی اینگونه حرف می‌زنند در را به روی کسانی که می‌خواهند کمک کنند می‌بندند و غربزده‌ها و دشمنان کشور را به خودشان نزدیک می‌کنند. چرا آقای مونیز به رئیس سازمان انرژی اتمی نزدیک‌تر از بنده و آقای آقازاده و دیگر اساتید دانشگاه است؟ ایشان چقدر در دانشگاه‌ها حاضر شده و از اساتید نظر خواسته است؟

یعنی آقای صالحی تاکنون در مسیر برجام از شما و اساتید دانشگاه کمک نخواسته است؟

به هیچ وجه. اینها ما را مضر به حال کشور می‌دانند و با دشمن در حذف ما همکاری می‌کنند. دشمن ما را تحریم و تفکر ما را ترور کرده است. رفتار اینها با ما بدتر از ترور است. اینها از جامعه خودمان نمی‌خواهند استفاده کنند.

بارها از سوی اعضای تیم مذاکره‌کننده سابق عنوان شده آنچه اکنون در برجام حاصل شده، برای ما هم حتی فراتر از آن حاصل شده بود، اگر اینگونه است و معتقدید تیم گذشته فراتر از برجام می‌توانست برای جمهوری اسلامی ایران امتیاز بگیرد، چرا این توافق در دولت گذشته حاصل نشد؟

پاسخ روشن است، امریکا و اروپا نمی‌خواست با دولت دهم به نتیجه برسد. برخی از داخلی‌ها هم همسو با اروپا و امریکا در این مسیر کارشکنی می‌کردند. امریکا به دنبال این بود که انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ به اغتشاش کشیده شود تا از این طریق برای خود زمان بخرد و توافق را به تأخیر بیندازد. ما با اروپا در حال نهایی شدن توافق بودیم که امریکا دخالت کرد و مانع شد. در مذاکرات هسته‌ای ما به تیم مقابل دیکته می‌کردیم و آنها می‌نوشتند، اما در دولت بعد این رابطه معکوس شد، آنها دیکته کردند و ما نوشتیم.

محمد خلجی | جوان

رئیس سابق سازمان انرژی اتمی در گفت‌وگو با «جوان»:

تفکر دولت یازدهم با هیچ فناوری پیشرفته‌ای سازگاری ندارد

بهارستان

لاریجانی: امریکا و صهیونیست‌ها در سال ۸۸ دنبال آشفته‌سازی ایران بودند

امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها دنبال آشفته‌سازی حوزه سیاست داخلی کشور ما بودند که البته ملت ایران با غیرت دینی و نشان دادن اراده خود کنترل صحنه را در دست گرفت.

به گزارش فارس علی لاریجانی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی روز گذشته مجلس با بیان اینکه قیام ملت در ۹ دی ماه را قدر می‌نهیم و گرامی می‌داریم، گفت: ملت رشید ایران پس از ماه‌ها کشمکش سیاسی داخلی و فتنه‌گری‌های گوناگون مخصوصاً پس از اقدامات سخیف و شنیع روز عاشورای آن سال با حضور یکپارچه و تعیین‌کننده خود در صحنه تیغ بر ناراستی‌ها و ظلم بر انقلاب کشید.

وی افزود: ملت ایران با این قیام مجدداً اراده خویش را بر صراط انقلاب حاکم ساخت و با رهنمودهای پیشوای معزز انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مسیر حرکت آتی کشور را مشخص کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: در آن موقعیت حساس که امریکا و برخی کشورهای غربی و صهیونیست‌های بی‌صورت و بی‌سیرت با مکر و حیله‌گری به دنبال آشفته‌سازی و اغواگری حوزه سیاست داخلی کشور ما بودند و با تفکری نارس و منافقانه حتی اقدامات زشتی که در روز عاشورای آن سال رخ داد را مجدداً پایه ماجراجویی جدید قرار دادند، ملت مجاهد ایران با غیرت دینی و انقلابی با نشان دادن اراده قوی خود صحنه را خود به دست گرفت و این هوشیاری سیاسی و دینی بزرگ‌ترین سرمایه ملت ایران بوده و است و هیچ چیز معادل آن نمی‌توان یافت.

لاریجانی در پایان خاطرنشان کرد: قدردانی از این همت عالی ملت نستوه، راست‌اندیشی در دین و مسیر روحانیت و صداقت در پیمودن راه امام (ره) و شهدای عظیم‌الشأن انقلاب و پیروی از راهنمایی‌های رهبر فرزانه انقلاب و خدمت خالصانه به خلق است تا با وفاق ملی دژ انقلاب را در مقابل بیگانگان مستحکم کنیم.

گزارش

مجمع روحانیون مبارز، تشکلی که نقشش در فتنه ۸۸ کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد

نقش مدیر غائله ۸۸ فراموش نشود

سهم برخی از تشکل‌های صرفاً سیاسی در شهرآشوب ۸۸ طی سال‌های بعد از ۹ دی همان سال آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است و در بازخوانی اتفاقات فتنه ۸۸ ناخودآگاه مورد غفلت قرار می‌گیرد.

طی شش سال گذشته و در آستانه بزرگداشت حماسه ۹ دی نیز تحلیل و تبیین اقدامات ساختارشکنانه افراد بیشتر مورد توجه قرار گرفته و این در حالی است که سهم برخی از احزاب و اعضای تندرو آن در پیشبرد اهداف فتنه بسیار بیشتر از فعالانی است که امروز مورد لعن مردم قرار می‌گیرند.

مجمع روحانیون مبارز از جمله این تشکل‌های سیاسی است که لزوم بررسی و بازخوانی مواضع اعضای این تشکل به ویژه دبیر کل آن می‌تواند آسیب‌های فراوانی را از انقلاب و جامعه اسلامی دور کند چراکه مدیریت اصلی بسیاری از اغتشاشات آن سال و دامنه‌دار شدن درگیری‌های خیابانی بیانیه‌های رسمی و هتاکانه‌ای است که این حزب سیاسی با برند روحانیت! رقم زد. جالب‌تر آنکه روحانیون عضو این تشکل ساختارشکن بعد از حماسه ۹ دی ۸۸ رویکردی را در پیش گرفتند که از آن به عنوان تطهیر چهره مجمع متبوع خودی نزد افکار عمومی یاد شد، آن هم پس از آنکه جامعه ایرانی هزینه‌های فراوانی از بیانیه‌ها و موضع‌گیری این حزب سیاسی متحمل شدند که از جمله آن قطعنامه تحریمی ۱۹۲۹ بود که علت اصلی صدور آن توسط شورای امنیت، غائله‌هایی بود که جریان غربگرا به مدت هشت ماه در کف خیابان‌های تهران رقم زد و در همان اوان هم بسیاری از عناصر این طیف از مقامات غربی -از جمله باراک اوباما- درخواست رسمی کردند تا با اعمال تحریم‌های جدیدی علیه ایران، جریان فتنه را تقویت کنند.

باید اقرار کرد که تاکتیک مجمع روحانیون برای یک استراتژی گام به گام مبنی بر «فاصله گرفتن از رفتارهای رادیکالی»، «تطهیر چهره اعضای تندرو به افرادی مصلح و حق‌جو» و «بازگشت آرام و زیرپوستی به قدرت» تا حدودی حاوی دستاورد نیز بوده است.

مسئله مهم آنکه بعد از روی کارآمدن دولت یازدهم تمهید بسیار مناسبی برای بازگشت نرم ملازمان فتنه، به لایه‌های زیرین قوه مجریه و پس از آن نفوذ در حلقه‌های تأثیرگذار حاکمیت و شرایط برای پیاده‌سازی پروسه‌هایی مانند «بی‌ثبات‌سازی سیاسی-اجتماعی» و «تغییر نگرش در افکار عمومی نسبت به کارکردهای نظام اسلامی» و سپس «استحاله رسمی نظام» فراهم شده است.

شرایط امروز و موفقیت آنها جهت تطهیر عناصر و تشکل‌های سیاسی خودی موقعیت مناسبی را برای تحقق اهداف بالادستی که در سال ۸۸ برای دستیابی به آن تئوری‌های متفاوتی را از «کمیته صیانت از آرای سال ۸۸» گرفته تا «اردوکشی خیابانی علیه حاکمیت» در دستور کار قرار داده‌اند. اگرچه بسیاری معتقدند احزاب منحله دوقلو - حزب مشارکت و حزب مجاهدین - نقش اصلی غائله ۸۸ را بر عهده داشته‌اند، اما با بازخوانی عملکرد مجمع روحانیون مبارز می‌توان به راحتی دریافت که سهم اصلی - حداقل در برخی از اتفاقات مهم - را مجمع روحانیون مبارز تقبل کرده است که در ادامه به بخشی از آن اشاره می‌شود.

■ **از پیشگویی در مصاحبه تا فتنه‌گری در کف خیابان**

دبیر کل مجمع روحانیون مبارز در ۲۲ خرداد و در روز رأی‌گیری مواضعی تحریک‌کننده اتخاذ می‌کند و همراه با سایر افراد وابسته به این جریان جرقه‌های روشن شدن فتنه را می‌زنند. محمد خاتمی در مصاحبه خود بیان می‌کند: «پیش‌بینی من این است که پیروز انتخابات موسوی است، هرچند من پیشگو نیستم.»

وی تا خلق حماسه ۹ دی از تمام هنجارشکنی‌ها حمایت کرده و نقش محوری در شکل‌گیری آنها داشته است به عنوان نمونه وی در جلسه‌ای با حضور موسوی و کروبی ستاد ابطال انتخابات را تشکیل و از اردوکشی ۲۵ خرداد با عنوان «روز بانشاط» حمایت می‌کند.

تشکل سیاسی مجمع روحانیون روز سه‌شنبه ۲۶ خرداد ۸۸ درخواست راهپیمایی برای روز شنبه ۳۰ خرداد (مصادف با سالروز آغاز حرکت تروریستی در سال ۱۳۶۰) را به فرمانداری تهران ارسال و خبر آن را رسانه‌ای می‌کند و این در حالی بود که روز قبل از آن خبرگزاری‌ها از برگزاری نماز جمعه تهران به امامت حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای خبر داده بودند. این در حالی بود که توقع آن می‌رفت که جریان‌های سیاسی همسو با مردم منتظر راهنمایی و چاره‌سازی رهبری برای اتمام غائله دستسازان جریان تجدیدنظرطلب باشند، اما مجمع روحانیون مبارز در اقدامی مشکوک و پرابهام، پیشاپیش برای فردای برگزاری نماز جمعه درخواست راهپیمایی کرد. پنج‌شنبه (۲۸ خرداد) مجمع روحانیون ضمن تأکید به درخواست پیشین، با گسترش سطح آن، برای برگزاری راهپیمایی و تجمع در شهرها و میادین سراسر کشور درخواست مجوز کرد. این اقدام که توسط کارشناسان سیاسی اقدامی فتنه‌انگیزانه ارزیابی می‌شد، متأسفانه در کارنامه مجمع مدعی خط امام و ولایت فقیه ثبت شد. این مجمع تا ساعات پایانی منتهی به روز شنبه نیز تلاشی برای لغو تجمع غیرقانونی اعلام شده نمی‌کند. برخلاف اعتقاد برخی از اعضای مجمع، تعلل سؤال‌برانگیز دبیر این تشکل همچنان ادامه یافت تا اینکه بنا بر برخی گزارش‌ها آشوبگران آرایش نهایی خود را برای پیاده‌سازی اهداف خود صورت داده بودند. نزدیک ظهر همان روز برخی از سایت‌ها و خبرگزاری‌ها این خبر را بر خروجی خود قرار دادند؛ «راهپیمایی امروز مجمع روحانیون لغو شد!» دومین دوشنبه بعد از انتخابات ماه مجمع روحانیون تحت نفوذ خاتمی با صدور بیانیه‌ای به همان سبک و سیاق گروهک‌های ضدانقلاب با تأیید آشوب‌ها و اغتشاش‌ها و تجمع‌های خیابانی ناخودآگاه مسئولیت خون‌های ریخته شده را بر عهده می‌گیرد.

انتشار بیانیه‌ای در حمایت از آشوب‌طلبی و فتنه‌گران را بی‌گناهان می‌خواند و از آنها به عنوان شهید یاد می‌کند. این تشکل سیاسی در این بیانیه ضدانقلابی نه تنها از رأی مردم و قانون تمکین نمی‌کند بلکه در تخطئه برخورد با آشوبگران اشاره می‌کند: «آیا پاسخ این فریادهای حق‌طلبانه صفیر گلوله‌هایی است که سینه فرزندانشان را بشکافد و پیر و جوان و زن و مرد را به خاک و خون بکشد.»

همانطور که اشاره شد بعد از بدون نتیجه ماندن فتنه‌گری مجمع روحانیون «اتخاذ مواضع نرم و معتدل، در جهت آرمان‌های انقلاب و نظام» نخستین ابزار برای تطهیر بود تا به‌واسطه آن با بازیابی مشروعیت سیاسی گذشته، بدنه اجتماعی خود از سرخوردگی و بلاتکلیفی رها شود. نخستین گام برای رسیدن به چنین هدفی را باید انتشار بیانیه‌ای -که ادبیاتی متفاوت از بیانیه‌هایی داشت که در فتنه ۸۸ برای اردوکشی خیابانی صادر می‌کرد- در تیرماه ۸۹ دانست که اعضای مجمع طی آن به اقدام کشورهای غربی در خارج کردن نام منافقین از لیست تروریست‌ها اعتراض و خود را طرفدار نظام و امام و مردم می‌دانند.

همچنین محمد خاتمی در همان سال ۸۹ اظهارات به ظاهر انقلابی در مورد «شهیدان دفاع مقدس» کرده و به‌زعم خود مسیر بازگشت به حاکمیت را هموارتر از گذشته می‌کند.

در انتخابات مجلس نهم شورای اسلامی با شرکت محمد خاتمی در یکی از شعب دور افتاده شهر دماوند ادامه یافت و یک ماه قبل از انتخابات ۹۲ مجمع تحت مدیریت خاتمی بار دیگر با انتشار بیانیه‌ای که در تضاد کامل با عملکرد آنها در سال ۸۸ بود از برادرکشی در جهان اسلام و به ویژه مصر اظهار نگرانی و ناراحتی کرده و بیان می‌کند: «در پشت این جنایات و برادرکشی دست‌های پلید دشمنان اسلام و مسلمانان و عزت کشورهای اسلامی وجود دارد. افراط‌گری و تعصبات جاهلانه به نقطه‌ای رسیده است... آنان درصددند تا با اینگونه اقدامات نادرست احساسات میلیون‌ها مسلمان را برانگیخته و آتش کینه‌توزی و برادرکشی را شعله‌ورتر سازند.»

«تلاش خاتمی برای حضور در مراسم تدفین ماندلا» و «کوشش برای سفر به قم و دیدار با مراجع عظام» در سال ۹۲ را نیز باید در مسیر مورد اشاره دانست.

یادداشت

زینب عامری

بصیرت سیاسی؛ میراث‌ماندگار حماسه ۹ دی

پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸، اوج‌گیری جریانات فتنه و نفاق در داخل کشور و هتک حرمت به مقدسات، موجی از غیرت و بصیرت در روز ۹ دی با سرریز شدن در خیابان‌ها شاهرگ فتنه را قطع کرد. این حماسه بزرگ میلیونی سه اصل مهم اجتماعی یعنی «وحدت، بصیرت و حرکت هوشمندانه» و لزوم آن را در جامعه اسلامی به منصه ظهور کشاند. در این میان عاملی که بیش از هر چیز رخ نمود، افزایش کمی و کیفی بصیرت سیاسی-درک عمیق و نگرش چندجانبه به یک پدیده سیاسی و اجتماعی بود. بصیرت مردمی در کنار بصیرت رهبری و نخبگی در سه سطح، موجب پیدایش جریانی فراگیر از «فهم تبیینی» و خلق حاسه ۹ دی شد. دیدن زوایای پنهان فتنه در فضای ملتهب اجتماعی پس از انتخابات که دشمن از هر سو با استراتژی «برانگیختگی شفاهی» سعی در تحریک مردم و افزایش ناآرامی‌ها داشت، مسئله‌ای چندان سهل و ساده نبود. اصحاب فتنه از نوک هرم قدرت آن- دست‌های پشت پرده غربی و چهره‌های انتخاباتی- تا قاعده هرم آن که اکثراً فریب‌خوردگان و بازی‌خوردگان سیاسی ماجرا بودند، با اتخاذ «سیاست‌های ضربتی» اغتشاشات و آشوب‌ها را تا نقطه‌ای از زمان و مکان پیش بردند. در حقیقت سیاست ضربتی آن دسته از رفتارهایی است که در کلام پایبندی به مواضعی را اعلام اما در عمل به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کند، یعنی دقیقاً آن چیزی که در رفتارهای سران و مهره‌های فتنه به اوج خود رسید. فتنه‌گران که به ظاهر یکی از آرمان‌های خود را آزادی و جمهوریخواهی معرفی می‌کردند، با سلب امنیت و آسایش از مردم، آتش زدن خیابان‌ها و ابنا و وسایل خصوصی و عمومی، اغتشاشات گاه و بی‌گاه، توهین به طرفداران نامزد منتخب و عبور از خط قرمزهای مردم و نظام در عمل معنای آزادی و جمهوریت را به فضاحت کشاندند. الیک این گونه سیاست‌های دوگانه رفتاری نه تنها نتوانست موجب خمودگی و انحراف اذهان عمومی شود بلکه شریانی حیاتی از هوشمندی و بصیرت سیاسی را در تمام کالبد جامعه جاری ساخت.

یکی از خصایص مثبت بازنگری و بررسی وقایع تاریخی کشف ابعاد مختلف یک رویداد سیاسی یا اجتماعی است. با تورق تاریخ روزهای فتنه به ویژه زمانی که به حماسه ۹ دی می‌رسیم، بعدی از شکوه و شعور ملی جلوه می‌کند چرا که به جرئت می‌توان گفت در حماسه ۹ دی نوعی «انتقال و اشاعه تفکر نخبگی» به تمامی طبقات مردمی اتفاق افتاد. حماسه ۹ دی را مردمی رقم زدند که از هر سو چه در داخل و چه از آن سوی مرزها و توسط انواع و اقسام رسانه‌ها مورد هجمه فکری و تبلیغاتی بودند اما حضور بیش از ۴۰ میلیونی مردم در روز ۹ دی نشان از بروز مرحله‌ای از بلوغ اجتماعی در مسیر تکامل فکری و اجتماعی در ایران اسلامی داشت. حقیقتاً چگونه در یک روز چنین مقاومتی از سطوح مختلف جامعه ایران در مقابل فتنه جوشیدن گرفت یا به بیان بهتر چگونه این حماسه به وقوع پیوست؟ در تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری حماسه ۹ دی، بروز «ذخیره فهم تبیینی» از بطن جامعه مهم‌ترین عامل به شمار می‌رود. در حقیقت این حماسه در یک روز رخ نداد بلکه طی سال‌های پیش از آن با افزایش سواد سیاسی و آگاهی اجتماعی مردم، مبارزه فرهنگی و تبیین روشنگری در سطح جامعه از سوی رهبری و نهادهای مختلف اجتماعی به تدریج نوعی «پتانسیل فکری» فراهم شده بود که در روز ۹ دی خود را نشان داد و آتش فتنه را به خاکستر مبدل ساخت. نکته حائز اهمیت در این میان لزوم بهره‌مندی از همان ذخیره فهم و شعور تبیینی در دوران کنونی است. در شرایطی که دشمن مجدد تلاش می‌کند با همان سیاست رنگ و رو رفته «ضربتی» که در سخن از یک موضع حمایت در عمل گونه‌ای دیگر رفتار می‌کند، اذهان عمومی را منحرف ساخته و مجرایی فوری برای تحقق اهداف خود در جامعه ایران باز کند، لزوم بصیرت سیاسی و اتخاذ تدبیر و تصمیمی مناسب بیش از پیش احساس می‌شود. اگرچه برجام یک تصمیم ملی نبود اما یک حمایت ملی را پشت سر خود داشت، لیک طرف غربی برخلاف گفته‌های خود در به رسمیت شناختن حقوق ایران، آشکارترین حقوق ملت ایران را نقض کرده و به اشکال مختلف آن را نادیده گرفته است. این مسئله که در دوران بعد از نقض برجام چگونه آسیب‌ها را به حداقل برسانیم و تلاش کنیم تا ضررهای کمتری را متحمل شویم و حتی‌المقدور آن را به فرصت تبدیل کنیم به نوعی درک چند بعدی از شرایط حال حاضر و تبیینی همه‌جانبه نیاز دارد. بصیرت سیاسی می‌تواند این بار به شکل اتخاذ یک تصمیم درست جمعی در مقابل طرف غربی نمود یابد. این تصمیم حمایتی همه‌جانبه را در کشور می‌طلبد و امروز شانه‌های هیچ کس در جامعه از سنگینی این مسئولیت و لزوم روشنگری و تبیین پیرامون ابعاد مختلف برجام و نقض‌های مکرر امریکا خالی نیست. این همان میراث ماندگار و گرانبهای ۹ دی و از آن مهم‌تر انقلاب اسلامی است که ایران را قادر می‌سازد در هر شرایطی از کوچک‌ترین ریزبدنه‌های خود یک فعال و بصیرت سیاسی بسازد.

رصد

حلب، موصل و غرب پساداعش

کیهان

کیهان در یادداشت روز خود به پیروزی‌های اخیر جبهه مقاومت در عراق و سوریه پرداخته و از ناتوانی غرب در مدیریت شرایط منطقه به نفع خود گفته است: آزادی «حلب» آنقدر مهم است که بتوان گفت، با رسیدن به این مهم، طومار «داعش»، «تکفیر» و «توهمِ خلافت»، هر سه یکجا در سوریه در هم پیچیده شد. نگاهی به تحولات میدانی و سیاسیِ مرتبط با این عرصه پس از آزادسازی حلب نشان می‌دهد، پیروزی در حلب فقط پیروزی در یک میدان بزرگ جنگ نبود. اینکه بشار اسد می‌گوید، تاریخ سوریه را باید به قبل و بعد از آزادسازی حلب تقسیم کرد هم حرف زیاد بیراهی نیست. بعد از آزادی حلب، مذاکرات بسیار مهم و سرنوشت‌سازی بین فاتحان جنگ از یک طرف و برخی بازندگان این میدان از طرف دیگر، در جریان است. برخی دیگر از بازندگان این جنگ نیز به نوشته اسپوتنیک، تقاضای پیوستن به این مذاکرات را دارند که تا این لحظه با تقاضای آنها موافقت نشده است. تقاضا برای شرکت داده شدن در مذاکرات از سوی کشورهایی که شعارشان «اسد باید برود- Assad Must Go - بود»، یکی از پیامدهای مهم آزادسازی حلب است. مذاکرات ایران و روسیه با ترکیه در مسکو و ادامه این مذاکرات در قزاقستان آن هم در غیاب امریکا پیام محکمی مخابره می‌کند. امریکا شاید برای نخستین بار در چند دهه گذشته، هیچ نقشی- تأکید می‌شود- هیچ نقشی در مهم‌ترین نشست منطقه درباره مهم‌ترین تحول منطقه ندارد.

■■■

■ **ناامیدی از رأی آوری روحانی**

آرمان

آرمان روزنامه خانوادگی هاشمی که چند صباحی است لزوم معرفی گزینه‌هایی به غیر از روحانی را توسط جریان غربگرا مطرح می‌کند روز گذشته نیز احتمال رأی‌آوری روحانی در انتخابات پیش رو را با ابهام روبه‌رو کرد. آرمان تیتر یک خود را با عبارت کنایی «برجام برای موفقیت در انتخابات ۹۶ کافی نیست» از قول محمدغرضی برجسته کرد و از قول وی نوشت: «انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ به هیچ عنوان با انتخابات سال ۹۶ قابل مقایسه نیست و کسانی که این دو انتخابات را با هم مقایسه می‌کنند در اشتباه هستند. در سال ۹۲ مردم می‌خواستند از «شر» دولت احمدی‌نژاد راحت شوند، این در حالی است که مردم در سال ۹۶ می‌خواهند آینده کشور خود را بسازند و چشم‌انداز آینده خود را تعیین کنند. بدون شک انگیزه‌های عمومی در سال ۹۲ با انگیزه‌های عمومی در سال ۹۶ تفاوت‌های معناداری خواهد داشت و مردم با دغدغه‌های جدیدی وارد رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری خواهند شد... با این وجود برجام به تنهایی نمی‌تواند همه مطالبات مردم را برآورده کند، به همین دلیل آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ نمی‌تواند به تنهایی بر برجام تأکید کند و دیگر مطالبات مردم را بی‌پاسخ بگذارد.»

■■■

■ **همچنان دولت قبل مقصر اصلی است!**

ایران

روزنامه‌های زنجیره‌ای وابسته به جریان تجدیدنظرطلب نیز همانند برخی دولتمردان به جای تلاش برای برآورده کردن خواسته‌های مردمی و ارائه گزارش آن به مردم تلاش کرده تا بعد از گذشت ۴۰ ماه از عمر دولت یازدهم همچنان دولت قبل را مقصر اصلی ناتوانی‌های اخیر عنوان کنند! ایران ارگان رسمی دولت در نوشتاری به قلم صادق زیباکلام می‌نویسد: همه می‌دانند که دولت حسن روحانی در چه شرایط وانفسایی کشور را تحویل گرفت. در ۳/۵ سال گذشته هر آنچه از دستشان برمی‌آمده، علیه دولت به کار نبرده باشد، با هر نگاه و رویکردی که به عملکرد و موضعگیری‌های یک جناح نسبت به دولت یازدهم بنگریم، نمی‌توانیم از این واقعیت تلخ بگریزیم که آنها «جانبدارانه»، «غیرمنصفانه» و «یکسویه» با دولت حسن روحانی و دستاوردهای قابل توجهش برخورد کرده و می‌کنند.